

نہستان غزلوں

مسجد
در کلام ولایت

۴



یکی از علل پیروزی این انقلاب مبارک در ایران اسلامی - و یا لاقلاً سهولت این پیروزی - این بود که مردم به مساجد اقبال پیدا کردند؛ جوانان مساجد را پر کردند و علمای اعلام، مساجد را به عنوان مرکزی برای تعلیم، تربیت، روشنگری افکار و اذهان، مورد استفاده قرار دادند و مسجد، مرکزی برای حرکت، آگاهی، نهضت و افشای اسرار زمامداران فاسد و خودفروخته‌ی رژیم طاغوت شد. در دوره‌ی مشروطیت هم همین‌طور بوده است؛ در دوره‌ی ملی شدن صنعت نفت هم تا حدودی همین‌طور بود؛ در زمان انقلاب هم که این مسئله، به حدّ اعلی رسید.

۱۳۷۵/۱۰/۱۹

در پیشه و اسعد از من لذت
 با سر حق و راز نیکند و
 را با برادر در عصر رنجا
 عیسی سم

■ نماز سر منشا حرکت و مقاومت ملت‌ها

ملت ایران باید مساجد را مغتنم بشمارد و پایگاه معرفت و روشن بینی و روشنگری و استقامت ملی به حساب آورند. اگر کسی خیال کند که در مسجد، فقط چند رکعت نماز می‌خوانند و بیرون می‌آیند و این چه تأثیری دارد، خطاست. این طور نیست. اولاً اگر همان چند رکعت نماز هم با چشم بصیرت نگاه شود، خود نماز که به زبان مُشَرَّع مقدّس نماز و اذان، خیر العمل و فلاح است، مایه‌ی برکات زیادی می‌شود. نماز یک ملت را به قیام الله وادار می‌کند. نماز انسان‌ها را از فساد دور و به خلوص و فداکاری نزدیک می‌کند.

۱۳۷۵/۱۰/۱۹

■ لزوم برنامه ریزی برای تحول بخشیدن و

پیشرفت روز افزون مساجد

راجع به برنامه ریزی برای تحول و پیشرفت در مساجد در دوره‌های پیش از انقلاب، عالمی به مسجد می‌رفت، نمازی می‌خواند و مسأله‌یی می‌گفت؛ در ایام مخصوص هم یک منبری دعوت می‌شد و سخنرانی می‌کرد. اگر امروز - که روز حاکمیت اسلام و ارزشهای اسلامی است - مساجد به همان شکل، بلکه در مواردی با افت کیفی و کمی اداره بشود، آیا این مقتضای حق و مصلحت است؟ آیا این پیشرفت است؟ پس "من استوی یوماه فهو مغبون" یعنی چه؟ ما باید برای مساجد برنامه‌ریزی کنیم. غیر از خود علما و روحانیون و ائمه‌ی جماعات، چه کسی باید برنامه‌ریزی کند؟ من نمی‌گویم حتماً بیاایم در مساجد از وسایل و دستگاههای تبلیغاتی جدید مثل فیلم و این طور چیزها استفاده کنیم - حالا اگر در موردی امام جماعتی مصلحت دانست، بحث دیگری است - اما من عرض می‌کنم که همان شیوه‌ی گذشته را هم می‌توان با محتوای بهتر ادامه داد؛ این کار را باید بکنیم.

۱۳۷۰/۱۲/۱۴

■ حفظ شور و نشاط در مساجد

سفارش اینجانب آن است که مسجد را نیز همچون دلهای جوان، پاکیزه و پیراسته، و لبریز از شور و انگیزه و نشاط کنید. مسجد نیز باید کانونی باشد که مشکات نماز در آن بدرخشد و نور معرفت و محبت و انس و صفا از آن ساطع شود. امامان جماعت، هیئتهای امناء، خادمان موظف و متبرّع، هر یک باید بخشی از این کار بزرگ و اثرگذار را بر دوش خود حس کنند.

۱۳۸۸/۱۲

■ مسجد، مرکز و کانون اصلی

روح مسجد، کالبد زندگی را پر نشاط و پرانگیزه میسازد. در هر جا سامان زندگی است، مسجد، مرکز و کانون اصلی است. در بنای شهر و روستا، در مدرسه و دانشگاه، در مراکز جمعیتی از بازارهای کسب و کار تا فرودگاهها و جاده ها و پایانه های سفری و تا آسایشگاهها و بیمارستانها و بوستانها و گردشگاهها، در همه و همه باید مسجد را همچون قطب و محور بنا نهاد.

۱۳۹۰/۷/۱۹

■ نقش روحانی در مسجد

مدیریت محتوائی و معنوی مسجد که بر دوش روحانی مسجد است باید خردمندانه و مسئولانه، و حتی عاشقانه باشد. حوزه های علمیه برای آماده سازی روحانیانی در این طراز، وظیفه ئی ذاتی و طبیعی دارند. اگر مسجد، کیفیت شایسته ی خود را بیابد، هزینه های مادی و معنوی بسیاری از دوش جامعه و مردم و مسئولان برداشته خواهد شد.

۱۳۹۰/۷/۲۰

■ اهمیت عمران مسجد

عمران مساجد و پرداختن به آرایه های معنوی و ظاهری آن، وظیفه ی همگان است و هرکسی به اندازه ی توان و همت باید در آن سهیم گردد. مردم، شهرداریها و دستگاههای دولتی هر یک در

آن باید سهمی ایفا کنند و روحانی دانا و مسئولیت پذیر و پرهیزگار می تواند و می باید محور این منظومه ی تلاش مقدس باشد.

۱۳۸۹/۷/۱۸

■ مسجد طراز اسلامی، مظهر پیوند دنیا و آخرت

پدید آوردن هویتی به نام مسجد، نخست در قبا و سپس در مدینه، در شمار زیباترین و پرمغزترین ابتکارهای اسلام در آغاز تشکیل جامعه ی اسلامی است: خانه ی خدا و خانه ی مردم، خلوت انس با خدا و جلوت حشر با مردم، کانون ذکر و معراج معنوی و عرصه ی علم و جهاد و تدبیر دنیوی، جایگاه عبادت و پایگاه سیاست، دوگانه های به هم پیوسته یی است که تصویر مسجد اسلامی و فاصله ی آن با عبادتگاههای رائج ادیان دیگر را نمایان می سازد. در مسجد اسلامی، شور و بهجت عبادت خالص با نشاط زندگی پاک و خردمندانه و سالم، در هم می آمیزد و فرد و جامعه را به طراز اسلامی آن نزدیک می کند. مسجد، مظهر آمیختگی دنیا و آخرت و پیوستگی فرد و جامعه در دیدگاه و اندیشه ی مکتب اسلام است. با این نگاه، دلهای ما برای مسجد می تپد و از شوق و احساس مسئولیت، لبریز می گردد. امروز در میان مساجد ما کم نیستند آنهایی که می توانند نمایی از این تصویر زیبا و شوق انگیز را به نمایش درآورند. حضور نسل جوان پاک نهاد ما و حضور روحانیان و معلمان آگاه و دلسوز، مسجدهایی را به درستی، کانون ذکر و عبادت و اندیشه و معرفت ساخته و یادهای عزیز و گرانبها را در دلهای ما برانگیخته است. لیکن تا این وظیفه به تمام و کمال گزارده نشود، هیچیک از ما نباید و نمی توانیم خطری را که از کمبود مسجد یا ضعف و نارسایی مساجد، جامعه و جوانان و خانواده ها و نسل های آینده را تهدید می کند، غافل بمانیم و خود را از برکات عظیمی که مسجد طراز اسلامی به کشور و نظام و مردم هدیه می کند، محروم سازیم.

۱۳۸۹/۷/۱۸



■ توجه به وجه نرم افزاری (امام جماعت) و سخت افزاری (ساختمان) مسجد

نخستین مطلب مهم، بنای مسجد و حضور روحانی شایسته در آن است. هم اکنون با وجود دهها هزار مسجد در کشور، جای هزاران مسجد دیگر در روستاها، شهرها، شهرکها و مجتمع های ساختمانی خالی است. دسترسی آسان به مسجد، نیاز ضروری مؤمنان و جوانان و نوجوانان ما است. روحانی پرهیزگار، خردمند، کارشناس و دلسوز در مسجد، همچون پزشک و پرستار در بیمارستان، روح و مایه ی حیات مسجد است. امامان جماعت باید آماده سازی خویش برای طبابت معنوی را وظیفه حتمی خود بدانند و مراکز رسیدگی به امور مساجد و حوزه های علمیه در همه جا آنان را یاری دهند.

۱۳۸۹/۷/۲۰

■ لزوم حفظ مساجد در طرح جامع شهرها

نقشه جامع را دو جور آدم، ممکن است بکشد؛ یک جور آدمی که معتقد است مسجد را باید حفظ کرد، یک جور آدمی که می گوید نه آقا، مسجد با مثلاً زمین بایر چه فرقی دارد. دو جور آدم نقشه می ریزد. در یکی از شهرها بنده رفتیم دیدم یک خیابان کشیده اند، که آن خیابان را ممکن بود مثلاً بیست متر آن طرف تر بکشند، چهار تا مسجد سلامت بماند. کما این که یک بنای قدیمی و تاریخی را که می خواستند سالم نگه دارند، توانسته اند سالم نگه دارند؛ اما مسجد را اصلاً اهمیت نمی دادند، ما با اینها اوقات تلخی کردیم. ما عرضمان این است که مصلحت اگر باشد اشکالی ندارد؛ مصلحت یک جماعتی، مصلحت مردم باشد، می شود مسجد را خراب کرد، اگر چنانچه واقعاً مصلحت باشد. اما این مصلحت چه جوری تشخیص داده بشود؟ الان هر جا که گیر می کنند - برای این که چهارتا خانه را خراب کنند باید یک پولی بدهند، مسجد را که خراب کنند پول نباید بدهند. مسجد را می اندازند در مسیر - مساجد را در مسیر می اندازند. نه، این مصلحت نیست، باید با این واقعاً مقابله بشود، ایستادگی بشود

۱۳۷۵/۴/۱۸

■ پیوند مساجد و مراکز آموزشی

مساجد باید مدرّس تفسیر و حدیث و منبرِ معارف اجتماعی و سیاسی و کانون موعظه و پرورش اخلاق باشد. زمزمه ی محبت متولیان و مدیران و امنای مساجد، باید دل‌های پاک جوانان را مجذوب و مشتاق کند. حضور جوانان و روحیه های بسیجی باید محیط مسجد را زنده و پرنشاط و آینده پو و لبریز از امید سازد. میان مسجد و مراکز آموزشی در هر محل، همکاری و پیوند تعریف شده و شایسته یی برقرار گردد. چه نیکوست که دانش آموزان برجسته و ممتاز در هر محل، در مسجد و در برابر چشم مردم و از سوی امام جماعت، تشویق شوند. مسجد باید رابطه ی خود را با جوانانی که ازدواج می کنند، با کسانی که به موفقیت‌های علمی و اجتماعی و هنری و ورزشی دست می یابند، با صاحب همّانی که کمک به دیگران را وجهه ی همت میسازند، با غمدیدگانی که غمگساری می جویند، و حتی با نوزدانی که متولد می شوند، برقرار و مستحکم کند

۸۹/۸/۱۸

■ علم و تقوا لازمه امامت جماعت

برای امام جماعت مسجد، حداقل چیزی که لازم است، علم و تقواست دیگر. از این دو تا نبایستی صرف نظر کرد. حالا چیزهای دیگر هم لازم است، کسی ممکن است جهات دیگر هم داشته باشد خیلی خوب است اما در مورد علم و تقوا شما سخت گیری کنید؛ بایستی آن کسی که آنجا می ایستد نماز، عالم باشد و عادل باشد؛ این دو تا دیگر غیر قابل اغماض است. حالا بقیه خصوصیات را هم داشت، آدم سخنوری بود، آدم عاقلی بود، چه بهتر. البته، در مقام ترجیح طبعاً مقدم است؛ اما اگر جهات دیگر را ندارد، از علم و تقوا که دیگر نمی شود صرف نظر کرد معمم بودن امام و روحانی بودن امام برای این است که تقدم علم و رجوع مردم به عالم معلوم بشود؛ والا اگر این جور نباشد چرا آنها می ایستند، دیگری بایستد.

۱۳۷۷/۹/۱۶

■ مساجد نشان اسلامی شهرها

ما بارها، مکرر به آقایان ائمه‌ی جمعه، ائمه‌ی جماعت و روحانیون محترم در شهرستانها، در تهران توصیه کردیم که مساجد باید آباد باشد؛ صدای اذان باید از مساجد بلند شود. باید همه نشانه‌های توجه به نماز و اقامه‌ی نماز را در شهر اسلامی - بخصوص در شهرهایی مثل تهران و شهرهای بزرگ کشور - ببینند، باید احساس کنند؛ هم مردم خودمان، هم کسانی که وارد این شهرها میشوند. نشانه‌های اسلامی باید واضح و آشکار باشد؛ کما اینکه در مهندسی‌های ما باید نشانه‌های اسلامی آشکار باشد. صهیونیستها هر نقطه‌ی دنیا که خواستند یک ساختمانی بسازند، آن علامت نحس ستاره‌ی داوود را سعی کردند یکجوری رویش تثبیت کنند. کار سیاسی‌شان اینجوری است. ما مسلمانها نشانه‌های اسلامی و مهندسی اسلامی را باید در همه‌ی کارهایمان، از جمله در باب مهندسی بایستی مراعات کنیم.

۱۳۸۷/۸/۲۹

■ تربیت عالم مسجد مهم‌تر از ساخت مسجد

اگر چنانچه مسجد، در یک نقطه‌ی ای از نقاط نباشد و هیچ راه دیگری هم وجود نداشته باشد، آن جا را استثنائاً ما اجازه می‌دهیم از سهم امام مسجد بسازند؛ اما آن جایی که مسجد هست، می‌خواهند حالا توسعه بدهند، یکی دیگر می‌خواهند بسازند یا احتمال این که از طرق تبرع و زکوات بتوانند بسازند هست، این جا را بنده شبهه می‌کنم. برای خاطر این که من از مسجد واجب‌تر، عالم مسجد را می‌دانم. ما الان وجوهاتمان برای اداره عالم مسجد کم می‌آید، شما الان ملاحظه کنید وضع طلبه‌ها را ببینید چه جوری است؟ شما خودتان بروید قم یک سری بزنید، ببینید چه جوری است، با چقدر زندگی می‌کنند. توی این شرایط این را که پول سهم امام صرف ساختن مسجد شود، واقعا من جرات نمی‌کنم.

۱۳۷۷/۹/۱۶

■ نقاط ضعف و کمبودها

کمبود مسجد در شهر و شهرک و روستا؛ نبود جایگاه نماز در مراکز اجتماعات همچون ورزشگاه و بوستان و ایستگاه و مانند آن؛ مراعات نشدن وقت نماز در وسائل مسافرت‌های دور دست؛ نپرداختن شایسته به نماز در کتاب‌های درسی؛ نپرداختن به پاکیزگی و بهداشت در مساجد؛ نپرداختن امام جماعت به تماس و رابطه با مأمومین؛ و هر کمبود دیگری از این قبیل‌ها، نقاط ضعفی است که باید هم‌ت‌های بلند بر زدودن آن برانگیخته شود و نشانه‌ی ایمان صاحبان تمکن یعنی اقامه‌ی نماز، در جامعه‌ی اسلامی ما روز بروز نمایان‌تر گردد.

۱۳۹۲/۶/۱۱

